



پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی در سنین

مدرسه

ساناز ذوفن^۱، مسعود قاصدی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری مطالعه شامل کلیه کودکان خیابانی مراجعه کننده به موسسات (رویش نهال جوان فرحزاد، خانه علم فرحزاد، خانه کودک شوش، خانه کودک ناصر خسرو و خانه ای برای آینده) شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۱۵۸ نفر از کودکان خیابانی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴)، خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲) و کمال‌گرایی بشارت (۱۳۸۶) بوده است. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن بالای ۰.۷ به دست آمد. با استفاده از روش همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون چند متغیره داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دشواری در توصیف احساسات با خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی رابطه منفی و بین دشواری در شناسایی احساسات با خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p < 0.01$). همچنین نتایج نشان داد که بین تفکر برون‌مدار با خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین خودکارآمدی و کمال‌گرایی پیش‌بینی کننده معنی‌دار ناگویی هیجانی هستند.

واژگان کلیدی: ناگویی هیجانی، خودکارآمدی، کمال‌گرایی، کودکان خیابانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)
^۲ دکترای تخصصی روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مسئله کودکان خیابانی یکی از مواردی است که از گذشته دور مورد توجه دانشمندان و جامعه‌شناسان است (جومیاتی و پرادوتو^۱، ۲۰۲۰). پدیده‌ای که در تمام نقاط دنیا وجود دارد و ایران نیز در این مسیر از بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده است. پدیده کودکان خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که به عنوان معضلی بزرگ در کشور ما رو به گسترش بوده و کم‌تر مورد پژوهش قرار گرفته است (کائیرانگا و موکاشما^۲، ۲۰۱۴)، گسترش این پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است (کالدر و هوروات^۳، ۲۰۱۸). آنچه به طور کلی کودک خیابانی را از سایر کودکان متفاوت می‌کند این است که او به هر دلیلی نسبت به زمانی که در کنار خانواده است یا باید در مدرسه باشد، زمان بیشتری را در خیابان‌های شهرهای بزرگ و مدرن که برای کودکان محیطی ناامن و متشنج به شمار می‌رود، سپری می‌کند (گوا، آتکینسون-شپارد، یو و زیونگ^۴، ۲۰۱۸). نکته مهم آن است که کودکان بخشی از لایه‌های آسیب پذیرند که بی توجهی به آنان می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیر برای جامعه داشته باشد (مورمی، کلابوز، هینگی، وگل و مشانا^۵، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش چانگ و چن^۶ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری کودکان در بزرگسالی در گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد. از طرفی امروزه، به رغم تحقیقات گذشته، نظریه‌های جدید در حوزه هیجان و ناگویی هیجانی بر نقش مثبت و انطباقی هیجان تاکید دارند و نشان می‌دهند که هیجان می‌تواند نقش سازنده‌ای در خودکارآمدی و کمال‌گرایی، فرایند تصمیم‌گیری، نوآوری و خلاقیت داشته باشد. همچنین در جهان امروز هر انسانی برای درست زیستن نیازمند فراگیری درست فکر کردن است (چینیما^۷، ۲۰۲۰).

ناگویی هیجانی به عنوان یک مسئله نگران‌کننده در این کودکان به دلیل شرایط کار و زندگی در خیابان مطرح شده است این کودکان در معرض پیامدهای نامطلوب هیجانی قرار دارند (باگبی، پارکر و تیلور^۸، ۲۰۲۰) این مسئله می‌تواند آنقدر شدید و غیرقابل کنترل باشد که در عملکرد روزانه و تمرکز فرد اختلال ایجاد کند. ناگویی هیجانی، ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها است و دربرگیرنده مؤلفه‌های دشواری در شناسایی احساسات و تمایز بین احساسات و تهییج‌های بدنی مربوط به انگیزندگی هیجانی، دشواری در توصیف احساسات، ضعف در خیال‌پردازی، سبک‌شناختی عینی و جهت‌گیری فکری بیرونی است (خواجه و خضری مقدم، ۱۳۹۵). لان^۹ (۲۰۲۰) در توصیف این افراد بیان می‌کند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، تهییج‌های بدنی بهنجار را بزرگ می‌کنند، نشانه‌های بدنی انگیزندگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند، درماندگی هیجانی را از طریق شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی نیز به دنبال نشانه‌های بدنی هستند (خسروی، چراغی ملایی، زهرایی و اسلامی، ۱۳۹۷). در واقع، ویژگی‌های اساسی که برای برقراری یک رابطه صمیمی نیاز است در این افراد با ناگویی هیجانی پایین است (زمائیرولا، ولمینکس، لومینت و کورنیل^{۱۰}، ۲۰۱۸). ادواردز، شیواجی، میکک و واپرم^{۱۱} (۲۰۲۰) معتقدند که افراد با ناگویی هیجانی نیاز قوی به وابستگی دارند که نتیجه‌اش شک و تردید و بی‌اعتمادی به دیگران است. به دلیل بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی نسبت به دیگران، مشکلات بین شخصی متعدد در افراد با ناگویی هیجانی

¹ - Jumiati & Pradoto

² - Kayiranga & Mukashema

³ - Calder & Horwath

⁴ - Gao, Atkinson-Sheppard, Yu & Xiong

⁵ - Moremi, Claus, Hingi, Vogel & Mshana

⁶ - Chung & Chen

⁷ - Chinyemba

⁸ - Bagby, Parker & Taylor

⁹ - Lane

¹⁰ - Zamariola, Vlemincx, Luminet & Corneille

¹¹ - Edwards, Shivaji, Micek & Wupperman



مشاهده شده است. این افراد در بیان نیازهایشان به دیگران مشکل دارند و توانایی مقابله با چالش‌های بین شخصی در موقعیت‌های اجتماعی را ندارند (جوردن و اسمیت^۱، ۲۰۱۷). پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، یافته‌های پیرز، کورکوس، روبین و فام-اسکاتز^۲ (۲۰۲۰) مبنی بر رابطه بین ناگویی هیجانی و دوری از صمیمیت را تایید می‌نمایند.

از عواملی که در این کودکان کمتر بررسی شده مسئله کمال گرایی می‌باشد. کمال گرایی نیز به عنوان یکی از عوامل شخصیتی، پیش‌بینی کننده مهمی برای پیامدهای روانشناختی منفی مانند اضطراب است (افشاری و ستاریان، ۱۳۹۷). کمال گرایی سازه‌ای چند بعدی است که با تلاش برای بی عیب و نقص بودن و وضع معیارهای عالی برای عملکرد همراه با ارزشیابی انتقادی و حساسیت در مورد اشتباهات مشخص می‌شود (ایگان^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). کمال گرایی انتظارات و تصورات غیرواقع‌بینانه فرد از خود و دیگران است (دامیان^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). فلت و هویت^۵ (۲۰۱۴) کمال گرایی را دارای سه مولفه مولفه می‌دانند که شامل کمال گرایی خودمدار (تمایل به وضع استانداردهای غیرواقع‌بینانه برای خود)، کمال گرایی دیگر مدار (تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران) و کمال گرایی جامعه مدار (احساس ضرورت رعایت معیارها به منظور کسب تایید از سوی دیگران) است. بنابراین افراد کمال گرا در روابط بر اساس ملاک های ذهنی ارتباط برقرار می کنند و معمولاً به اهداف خود نمی رسند (شری^۶ و همکاران، ۲۰۱۴).

علاوه بر کمال گرایی، به نظر می رسد خودکارآمدی نیز به عنوان یکی از عوامل حفاظتی است که موجبات سازش یافتگی بیشتر این کودکان را فراهم می کند و در میزان خودکارآمدی کودکان موثر است (پاسیار و همکاران، ۱۳۹۷). خودکارآمدی بر این انگاره استوار است که شخص تصور کند قادر است پدیده ها و رویدادها را به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب خود با رفتار و کردار مناسب سازمان دهد. به عبارتی دیگر خودکارآمدی به اعتقادات و ذهنیات فرد در به انجام رساندن اهدافش مربوط می شود. در واقع استرس ناشی از نداشتن خودشکوفایی، باعث کاهش خودکارآمدی می شود و در عوض در صورت گرفتن حمایت اجتماعی و بوجود آمدن خودشکوفایی، حس خودکارآمدی در افراد افزایش می یابد (آوانزی، چاه، فراکورالی و وندیک^۷، ۲۰۱۵). به گونه ای که خودکارآمدی بالای رهبر گروه می تواند به اعضای گروه سرایت کرده و عملکرد مطلوب گروهی را به همراه داشته باشد. خودکارآمدی و اعتماد به نفس بالای اعضای گروه نیز بر خودشکوفایی گروهی افراد موثر است و آن را افزایش می دهد (فرنسن، هاسلم، استفنز، وان بسلر، کورپر و بوئن^۸، ۲۰۱۵). خودکارآمدی بالای اعضا نه تنها می تواند به «ما» به عنوان یک واقعیت روانی متمرکز شود، بلکه برای تبدیل «ما» به عنوان یک واحد عملیاتی نیز موثر است. خودکارآمدی روابط فردی را مدیریت می کند و افراد با خودکارآمدی بالاتر، عزت نفس و سلامت روانی بیشتری را تجربه می کنند (دی جی آنتا، ایزنبرگ، کاپفر، استکا، ترامانتانو و کاپرارا^۹، ۲۰۱۵). افرادی که دارای خودکارآمدی ذهنی و عینی بیشتری بیشتری هستند، مقاومت بیشتری نسبت به سیگار کشیدن می دهند (سیمون، کانل، کونگ، مورن، کاولو، کامنجا و کریشنن-سارین^{۱۰}، ۲۰۱۵). پارکر، مارش، کیاروچی، مارشال و عبدالجبار^{۱۱} (۲۰۱۴) در پژوهش خود در مورد خودکارآمدی به این نتایج دست یافتند که رابطه قوی و معناداری بین موفقیت و خودکارآمدی و نیز بین خودکارآمدی و خودپنداره هر فرد وجود دارد.

¹ - Jordan & Smith

² - Peres, Corcos, Robin & Pham-Scottez

³ - Egan

⁴ - Damian

⁵ - Flett & Hewitt

⁶ - Sherry

⁷ - Avanzi, Schuh, Fraccaroli & van Dick

⁸ - Franssen, Haslam, Steffens, Vanbeselaere, De Cuyper & Boen

⁹ - Di Giunta, Eisenberg, Kupfer, Steca, Tramontano & Caprara

¹⁰ - Simon, Connell, Kong, Morean, Cavallo, Camenga & Krishnan-Sarin

¹¹ - Parker, Marsh, Ciarrochi, Marshall & Abduljabbar



همان طور که گفته شد، اگر هیجانانگیز به صورت مناسبی ابزار نگردند، حالتی به نام ناگویی هیجانی به وجود می‌آید و احتمال ظاهر شدن انواع مشکلات روانشناختی در کودکان خیابانی افزایش قابل توجهی می‌یابد. با توجه به این که وجود شرایط خاص در روند زندگی کودکان خیابانی بر ناگویی هیجانی در کودکان کار تاثیر نامطلوب می‌گذارد، و این امر باعث کاهش خودکارآمدی و کمال‌گرایی مثبت در این کودکان می‌شود. بنا به وجود خلا پژوهشی در زمینه ناگویی هیجانی، کمال‌گرایی و خودکارآمدی در کودکان خیابانی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که: بین کمال‌گرایی و خودکارآمدی با ناگویی هیجانی در کودکان خیابانی چه رابطه‌ای وجود دارند؟ و این که آیا کمال‌گرایی و خودکارآمدی توان پیش‌بینی ناگویی هیجانی در کودکان خیابانی را دارند؟

روش‌شناسی

این پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از حیث روش به دست آوردن داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی و بر مبنای نوع داده‌های گردآوری شده از نوع کمی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان خیابانی مراجعه‌کننده به موسسات رویش نهال جوان فرحزاد، خانه علم فرحزاد، خانه کودک شوش، خانه کودک ناصر خسرو و خانه ای آینده در شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بودند. تعداد این کودکان ۳۸۰ نفر بودند. کلیه کودکان خیابانی که در مدت نمونه‌گیری از مهر تا آذرماه سال ۱۳۹۷، به موسسات مذکور مراجعه و معیارهای ورود شامل (۱. دارا بودن سن زیر ۱۸ سال تمام، ۲. اشتغال به یکی از کارهای خیابانی، خانگی، کارگاهی و نظایر آن، ۳. داشتن مربی در موسسه، ۴. شناخت کافی از کودک توسط مربی و ۵. تمایل به شرکت) را دارا بودند به صورت تصادفی وارد نمونه شدند. در طول این مدت تعداد ۳۸۰ نفر در موسسه حضور داشتند که از بین این کودکان ۱۵۸ کودک به صورت تصادفی ساده (به صورت قرعه‌کشی) و بر اساس جدول مورگان انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش را پاسخ دادند. از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش رضایت آگاهانه شفاهی فارغ از هر گونه اجبار، تهدید، تطمیع و اغوا اخذ شد. آزمودنی در معرض ضرر و زیان غیرمعقول به دلیل ارجحیت منافع جامعه یا پیشرفت علوم قرار گرفته نشد و محدودیتی در اعمال اراده و اختیار او ایجاد نشد. نحوه ارائه گزارش و اعلام نتیجه تحقیق متضمن رعایت حقوق مادی و معنوی عناصر ذریبط (آزمودنی، پژوهشگر، پژوهش و سازمان مربوطه) بود. قبل از انجام پژوهش، اقدامات لازم از قبیل هماهنگی و برنامه‌ریزی با موسسات مربوطه انجام گردید و در صورت بروز خسارت غیرمتعارف، مسئولیت‌های مربوط به محقق و موسسات تعریف شد. آن دسته از ضرر و زیان‌هایی که آزمودنی به اقتضای موقعیت و شرایط شغلی، سنی، زمانی و مکانی با آنها مواجه بود توسط محقق مورد توجه قرار گرفت و کودکان خیابانی که در زمان تحقیق مشغول به کار بودند به اجبار در تحقیق شرکت داده نشدند.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو: مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو که توسط بگی و همکاران (۱۹۹۴) ساخته شده یک آزمون ۲۰ سؤالی است و شامل سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی می‌باشد و در یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. در این آزمون سؤال‌های ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ و ۱۹ دشواری در شناسایی احساسات، سؤال‌های ۲، ۶، ۹، ۱۶ و ۲۰ دشواری در توصیف احساسات و بقیه سؤال‌ها تفکر عینی را تعیین می‌کند. در این آزمون مجموع نمره‌های سه زیرمقیاس، ناگویی هیجانی کلی را محاسبه می‌کند. بشارت (۲۰۰۷)، در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس نارسایی خلقی تورنتو، ضریب آلفای کرونباخ را برای نارسایی هیجانی کل و مقیاس‌های دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش کرده است. وی همچنین پایایی آزمون را به روش بازآزمایی در دو نوبت با فاصله چهار هفته ۰/۸۰ و ۰/۸۷ محاسبه کرده است. در این پژوهش طبق یافته‌ها از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی

پرسشنامه ناگوی هیجانی استاندارد تورنتو ۰/۸۹ محاسبه گردید که چون مقدار آن بزرگتر ۰/۰۵ است نشان می‌دهد که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

پرسشنامه خودکارآمدی: در این پژوهش از پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲) استفاده شد. زیرا این آزمون خودکارآمدی عمومی را می‌سجد، شرایط خاصی را برای اجرا قائل نیست و اجرای آن در سنین مختلف محدودیتی ندارد و در بین ابزارهای موجود در زمینه خودکارآمدی ابزار مناسبی است و همچنین مورد استفاده محققان زیادی قرار گرفته است. در پژوهشی که توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) جهت ساخت آزمون انجام شد، ۳۷۶ دانشجوی روانشناسی می‌بایست به تکمیل مقیاس خودکارآمدی و چند اندازه شخصیتی می‌پرداختند. آزمودنی‌ها می‌بایست میزان موافقت خود را با هر یک از پرسش‌های آزمون خودکارآمدی با تعیین یکی از گزینه‌ها مشخص می‌کردند. آزمون شامل ۱۷ ماده است که خودکارآمدی عمومی را می‌سجد و این ۱۷ ماده دارای میانگین ۵۷/۹۹ و انحراف معیار ۱۲/۰۸ است. شیوه نمره‌گذاری به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. ضریب پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس خودکارآمدی عمومی و خرده‌مقیاس خودکارآمدی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۷۱ برای هریک بدست آمد. براتی (۱۳۷۶) در یک تحقیق برای بدست آوردن روایی سازه آزمون، این آزمون را همراه با آزمون دیگر به نام مقیاس عزت نفس روی یک گروه ۱۰۰ نفری انجام داده و همبستگی ۰/۶ را گزارش کرده است که در سطح ۰/۰۵ معنادار بود. علت استفاده محقق از مقیاس عزت نفس این است که شرر و همکاران (۱۹۸۲) آن را به عنوان یکی از متغیرهای همبسته با خودکارآمدی معرفی کرده‌اند. در این پژوهش طبق یافته‌ها از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی پرسشنامه خودکارآمدی استاندارد ۰/۸۰ محاسبه گردید که چون مقدار آن بزرگتر است نشان می‌دهند که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

پرسشنامه کمال‌گرایی: مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران (بشارت، ۱۳۸۶) یک آزمون ۳۰ سوالی است که سه بعد کمال‌گرایی خودمدار، کمال‌گرایی دیگرمدار و کمال‌گرایی جامعه‌مدار را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از نمره ۱ تا ۵) می‌سجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیر مقیاس‌های سه‌گانه آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. مقیاس‌هایی که از آنها برای ساخت مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران استفاده شد عبارت بودند از مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی فراست و همکاران (۱۹۹۰)، مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی هویت و فلت (۱۹۹۱)، مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی تری شورت و همکاران (۱۹۹۵) و مواردی از زیر مقیاس‌های پرسشنامه‌های دیگر، مخصوصاً پرسشنامه‌های سنجش اختلال‌های خوردن. از مجموعه ۶۷ سوال اولیه که برای سنجش ابعاد کمال‌گرایی مناسب تشخیص داده شدند، ابتدا یک مجموعه ۴۵ سوالی بر حسب ضرایب توافق بیشتر بین نظر سه متخصص در این زمینه، تهیه و برای اجرای مقدماتی آماده شد. سپس مطابق نتایج ضرایب توافق کندال که بر اساس نظر ده متخصص روانشناس محاسبه شد و نیز نتایج مقدماتی تحلیل عوامل، ۳۰ سوال که ارزش ویژه آنها بیشتر از ۱ بود، برای سه عامل کمال‌گرایی خودمدار، کمال‌گرایی دیگرمدار و کمال‌گرایی جامعه‌مدار انتخاب شدند و روی نمونه پژوهش اجرا شدند. این پرسشنامه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از نمره ۱ تا ۵) می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیر مقیاس‌های سه‌گانه آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. همچنین حداکثر نمره ممکن در این مقیاس ۱۵۰ و حداقل نمره ۳۰ می‌باشد. بشارت (۱۳۸۶) اعتبار محتوایی مقیاس کمال‌گرایی چند بعدی تهران را با استفاده از ضرایب توافق کندال برای ابعاد کمال‌گرایی خودمدار (۰/۸۰)، کمال‌گرایی دیگرمدار (۰/۷۲) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار (۰/۶۹) محاسبه و ضریب بازآزمایی همبستگی بین نمره‌های ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته را برای مولفه کمال‌گرایی خودمدار ۰/۸۵، برای کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۷۹، و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۸۴، بدست آورده. همچنین همسانی درونی مقیاس کمال‌گرایی تهران را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمودنی‌ها برای مولفه‌های کمال‌گرایی خودمدار ۰/۹۰، کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۹۱ و کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۸۱ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی رضایت‌بخشی است. در این پژوهش طبق یافته‌ها از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی پرسشنامه کمال



گرایی استاندارد ۰/۹۱ محاسبه گردید که چون مقدار آن بزرگتر است نشان می‌دهند که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار spss22 در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

برای آزمون این فرضیه ابتدا از آزمون همبستگی استفاده شد و سپس به دلیل معناداری رابطه بین برخی متغیرها از آزمون رگرسیون برای میزان پیش بینی متغیر وابسته با توجه به متغیرهای مستقل استفاده شد و در آزمون رگرسیون متغیرهایی که دارای رابطه بودند در پیش بینی مورد آزمون قرار گرفتند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین خودکارآمدی و کمال گرایی با دشواری در توصیف احساسات

دشواری در توصیف	کمال گرایی	خودکارآمدی		
		۱	همبستگی سطح معناداری	خودکارآمدی
	۱	***۰.۸۱۲	همبستگی سطح معناداری	کمال گرایی
۱	**۰.۴۲۲	**۰.۳۱۵	همبستگی سطح معناداری	دشواری در توصیف احساسات
	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰		

بر اساس اطلاعات جدول ۱، بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» در سطح ۰.۰۱ رابطه منفی و معنی داری با «دشواری در توصیف احساسات» وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش آنها از میزان «دشواری در توصیف احساسات» کاسته می‌شود که شدت این رابطه در جدول فوق قابل مشاهده است.

جدول ۲. خلاصه آزمون رگرسیون جهت بررسی رابطه بین خودکارآمدی و کمال گرایی با دشواری در

توصیف احساسات

متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	همبستگی تعدیل شده
خودکارآمدی و کمال گرایی	-۰.۳۲۹	۰.۱۰۸	۰.۰۹۶

متغیر ملاک: دشواری در توصیف احساسات

بر اساس اطلاعات جدول ۲، رابطه بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» با «دشواری در توصیف احساسات» برابر با -۰.۳۲۹ است؛ به عبارت دیگر، «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» تقریباً ۱۱ درصد از تغییرات مربوط به «دشواری در توصیف احساسات» را تبیین می‌کند ($R^2=0.108$). برون داد بعدی رایانه تحلیل ضرایب رگرسیون مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب خودکارآمدی و کمال گرایی در پیش بینی دشواری در توصیف احساسات

متغیر وارد شده در مدل	مدل	B	SE	(Beta)	t	سطح معناداری
(عرض از مبدا)		۱.۱۷۹	۰.۵۵۶		۹.۱۲۰	۰.۰۰۰
خودکارآمدی	ضریب متغیر	-۰.۳۴۱	۰.۲۰۴	-۰.۱۸۹	-۲.۶۸۹	۰.۰۰۰
کمال گرایی	ضریب متغیر	-۰.۶۲۵	۰.۲۰۴	-۰.۳۹۷	-۳.۰۵۸	۰.۰۰۰



متغیر ملاک: دشواری در توصیف احساسات

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» پیش‌بینی کننده معنی‌دار «دشواری در توصیف احساسات» است. بر پایه مدل رگرسیون می‌توان گفت: با افزایش یک واحد در خودکارآمدی و کمال گرایی به اندازه ۰.۳۴۱ و ۰.۶۲۵ واحد از میزان «دشواری در توصیف احساسات» کاسته می‌شود.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین خودکارآمدی و کمال گرایی با دشواری در شناسایی احساسات

دشواری در شناسایی	کمال گرایی	خودکارآمدی		
		۱	همبستگی سطح معناداری	خودکارآمدی
	۱	***۰.۸۱۲	همبستگی سطح معناداری	کمال گرایی
		۰.۰۰۰	همبستگی سطح معناداری	دشواری در شناسایی احساسات
۱	***-۰.۴۲۲	***-۰.۳۱۵	همبستگی سطح معناداری	
	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	همبستگی سطح معناداری	

بر اساس اطلاعات جدول ۴، بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» در سطح ۰.۰۱ رابطه منفی و معنی‌داری با «دشواری در شناسایی احساسات» وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش آنها از میزان «دشواری در شناسایی احساسات» کاسته می‌شود که شدت این رابطه در جدول فوق قابل مشاهده است.

جدول ۵. خلاصه آزمون رگرسیون جهت بررسی رابطه بین خودکارآمدی و کمال گرایی با دشواری در شناسایی احساسات

متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	همبستگی تعدیل شده
خودکارآمدی و کمال گرایی	-۰.۴۲۴	۰.۱۸۰	۰.۱۶۹

متغیر ملاک: دشواری در شناسایی احساسات

بر اساس اطلاعات جدول ۵، رابطه بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» با «دشواری در شناسایی احساسات» برابر با -۰.۴۲۴ است؛ به عبارت دیگر، «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» تقریباً ۱۸ درصد از تغییرات مربوط به «دشواری در شناسایی احساسات» را تبیین می‌کند ($R^2=0.180$). برون داد بعدی رایانه تحلیل ضرایب رگرسیون مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۶. ضرایب خودکارآمدی و کمال گرایی در پیش‌بینی دشواری در شناسایی احساسات

متغیر وارد شده در مدل	مدل	B	SE	(Beta)	t	سطح معناداری
(عرض از مبدا)	۰.۶۳۰	۰.۵۲۵			۶.۱۹۹	۰.۰۰۰
خودکارآمدی	ضریب متغیر	-۰.۳۲۶	۰.۱۹۵	-۰.۱۸۱	-۳.۵۱۹	۰.۰۰۰
کمال گرایی	ضریب متغیر	-۰.۷۵۹	۰.۱۹۴	-۰.۴۸۷	-۸.۹۰۵	۰.۰۰۰

متغیر ملاک: دشواری در شناسایی احساسات

نتایج جدول ۶ حاکی از آن است که «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» پیش‌بینی کننده معنی‌دار «دشواری در شناسایی احساسات» است. بر پایه مدل رگرسیون می‌توان گفت: با افزایش یک واحد در خودکارآمدی و کمال گرایی به اندازه ۰.۳۲۶ و ۰.۷۵۹ واحد از میزان «دشواری در شناسایی احساسات» کاسته می‌شود.



جدول ۷. ماتریس همبستگی بین خودکارآمدی و کمال گرایی با تفکر عینی

تفکر عینی	کمال گرایی	خودکارآمدی	همبستگی	سطح معناداری
		۱		
	۱	۰.۸۱۲**	همبستگی	
		۰.۰۰۰	سطح معناداری	
۱	۰.۳۹۴**	۰.۳۰۵**	همبستگی	
	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری	

بر اساس اطلاعات جدول ۷، بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» در سطح ۰.۰۱ رابطه مثبت و معنی داری با «تفکر عینی» وجود دارد، به عبارت دیگر با افزایش آنها بر میزان «تفکر عینی» افزوده می شود که شدت این رابطه در جدول فوق قابل مشاهده است.

جدول ۸. خلاصه آزمون رگرسیون جهت بررسی رابطه بین خودکارآمدی و کمال گرایی با تفکر برون مدار

متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	همبستگی تعدیل شده
خودکارآمدی و کمال گرایی	۰.۳۹۵	۰.۱۵۶	۰.۱۴۵

متغیر ملاک: تفکر عینی

بر اساس اطلاعات جدول ۸، رابطه بین «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» با «تفکر برون مدار» برابر با ۰.۳۹۵ است؛ به عبارت دیگر، «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» تقریباً ۱۶ درصد از تغییرات مربوط به «تفکر برون مدار» را تبیین می کند ($R^2 = 0.156$). برون داد بعدی رایانه تحلیل ضرایب رگرسیون مدل را نشان می دهد.

جدول ۹. ضرایب خودکارآمدی و کمال گرایی در پیش بینی تفکر برون مدار

متغیر وارد شده در مدل	مدل	B	SE	(Beta)	t	سطح معناداری
(عرض از مبدا)		۰.۵۵۴	۰.۵۲۸		۲.۴۲۹	۰.۰۰۰
خودکارآمدی	ضریب متغیر	۰.۳۶۹	۰.۱۹۶	۰.۱۴۴	۲.۳۵۰	۰.۰۰۰
کمال گرایی	ضریب متغیر	۰.۶۶۴	۰.۱۹۵	۰.۴۳۰	۳.۴۰۱	۰.۰۰۰

متغیر ملاک: تفکر عینی

نتایج جدول ۹ حاکی از آن است که «خودکارآمدی» و «کمال گرایی» پیش بینی کننده معنی دار «تفکر برون مدار» است. بر پایه مدل رگرسیون بالا می توان گفت: با افزایش یک واحد در خودکارآمدی و کمال گرایی به اندازه ۰.۳۶۹ و ۰.۶۶۴ واحد بر میزان «تفکر برون مدار» افزوده می شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی ناگویی هیجانی بر اساس خودکارآمدی و کمال گرایی در کودکان خیابانی در سنین مدرسه انجام شد. نتایج نشان داد که بین دشواری در توصیف احساسات با خودکارآمدی و کمال گرایی در کودکان خیابانی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش خودکارآمدی و کمال گرایی از میزان دشواری در توصیف احساسات



کاسته می‌شود. نتایج پژوهش با یافته‌های ناث و همکاران (۲۰۱۶) و دریویس و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. یکی از ویژگی‌های ناگویی هیجانی دشواری در توصیف و تشخیص احساسات است. این افراد دامنه لغات محدودی برای توصیف هیجان‌اتشان دارند. به عبارت دیگر به علت ناتوانی در تشخیص احساسات قادر به بیان هیجان‌ات نیستند. کودکان خیابانی نمی‌توانند احساسات خود را دقیق بشناسند و در نتیجه آن را ابراز نمی‌کنند؛ از این رو این کودکان در خانواده‌هایی رشد کرده‌اند که مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، پیش‌بینی‌ناپذیر با بدرفتار هستند. کودکانی که در این میان از خودکارآمدی بالاتری برخوردار هستند دشواری در توصیف احساسات کمتری را دارند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که حس خودکارآمدی موجب افزایش دستاوردهای فرد در زندگی به طرق مختلف می‌شود. کودکان با خودکارآمدی بالا به توانایی‌های خود اطمینان داشته و با تکالیف دشوار به عنوان چالش برای دستیابی به مهارت روبرو شده و از آنها به عنوان عامل تهدید دوری نمی‌کنند. این دیدگاه موجب می‌شود که علایق درونی فرد فزونی یافته، و بر فعالیت‌های وی اثر گذارد. این افراد در صورت رویارویی با شکست یا حتی عقب‌نشینی از هدف، حس خودکارآمدی را سریعاً ترمیم نموده و شکست خود را به تلاش ناکافی، نقص اطلاعات که همگی قابل دستیابی است، استناد می‌دهند. در مقابل کمال‌گرایی به دلیل گرایش به ایده‌آل بودن شرایطی نامتناهی را ایجاد می‌کند که همین هم باعث دشواری در توصیف احساسات می‌شود. افراد کمال‌گرا تمام اطرافیان خود را در ترازوی کمال‌گرایی خویش قرار می‌دهند و به همین دلیل تنهایی اجتناب‌ناپذیر است. افراد کمال‌گرا ترس از صمیمیت دارند که نتیجه آن چنین است که افراد کمال‌گرا احساس دشواری در توصیف احساسات را همیشه تجربه کنند. انسان‌های کمال‌طلب، فشاری دائمی برای حرکت به سمت هدف‌های غیرقابل دستیابی در درون خود احساس می‌کنند. آنها ارزش خودشان را با کارایی خودشان و دستاوردهایشان می‌سنجند. کمال‌گرایی، در واقع باوری غیرمنطقی است که اشخاص نسبت به خود و محیط اطراف خود دارند. افرادی که کمال‌گرا هستند، معتقدند که خود و محیط اطرافشان باید کامل بوده و هرگونه تلاشی در زندگی باید بدون اشتباه و خطا باشد. افراد کمال‌گرا بدلیل برآورده نشدن نیازهایشان با احساس دشواری در توصیف احساسات را بدنال رسیدن به اهدافشان هستند. کمال‌گرایی یعنی داشتن اهداف بلندپروازانه، جاه‌طلبانه، مبهم و غیرقابل وصول و همچنین داشتن تلاش افراطی برای رسیدن به این اهداف. یا به عبارت دیگر داشتن مجموعه‌ای از معیارهای بسیار بالا برای عملکرد که با خود ارزشیابی‌های انتقادی افراطی همراه است. این چنین است که افراد کمال‌گرا در رابطه بین فردی مشکلات جدی دارند. چرا که کسی را سرآمد برای رابطه نمی‌دانند و منطقی است که احساس دشواری در توصیف احساسات داشته باشند.

همچنین نتایج نشان داد که بین دشواری در شناسایی احساسات با خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش خودکارآمدی و کمال‌گرایی از میزان دشواری در شناسایی احساسات کاسته می‌شود. کودکان مبتلا به دشواری در شناسایی احساسات، عواطف مختلف را تجربه و احساس می‌کنند، اما نمی‌توانند احساسات و عواطف خود را بشناسند و از این رو نمی‌توانند آنها را ابراز کنند. از این رو این افراد مستعد تفسیر غلط نشانه‌های بدنی خود هستند. به طوری که نشانه‌های بدنی مرتب‌طا برانگیختگی هیجانی را به اشتباه به عنوان نشانه بیماری جسمانی تعبیر می‌کنند. نقص در پردازش شناختی هیجان‌ات می‌تواند زمینه‌ابتلای فرد به علائم روان‌شناختی را فراهم کند و از این طریق به کاهش خودکارآمدی کودکان منجر شود. خودکارآمدی در ابتدا حالت ادراکی و شناختی دارد. خودکارآمدی به معنای باور فرد در مورد توانایی مقابله او در موقعیت‌های خاص است و الگوهای فردی، رفتاری و هیجانی را در سطوح مختلف تجربه انسانی تحت تاثیر قرار می‌دهد. خودکارآمدی تعیین‌کننده این است که آیا رفتاری شروع خواهد شد یا خیر، و اگر شروع شد، چه مقدار برای انجام دادن آن تلاش خواهد کرد و در رویارویی با مشکل چه مقدار استقامت از خود نشان خواهد داد (طهماسیان و اناری، ۱۳۸۸). همچنین در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان چنین بیان کرد کمال‌گرایی خودمدار یک مولفه انگیزشی می‌باشد که دارای دو نوع حرکت است که یک حرکت جهت دستیابی به کمال و حرکت دیگر جهت اجتناب از شکست می‌باشد، در حقیقت این مولفه با دو نوع مشخصه مثبت (تلاش، رقابت برای پیشرفت و خودشکوفایی) و



مشخصه منفی (سرزنش گری، خودانتقادگری، خودشیفتگی) در ارتباط است. در واقع این بعد از کمال‌گرایی درونی است و فرد در آن از درون و به صورت ذاتی انگیزه‌هایی قوی دارد تا بتواند کامل باشد و در میان افراد همسان خود حالتی برتر داشته باشد. بر این اساس، کودکانی که دارای کمال‌گرایی خودمدار هستند، خوش‌بینی بیشتر دارند و دشواری در شناسایی احساسات کمتری را تجربه می‌کنند. بنابراین کودکان دارای صفت کمال‌گرایی خودمدار انعطاف‌پذیرند، قادرند محدودیت‌های شخصی که آنها را از رسیدن به اهداف آرمانی باز می‌دارد، بپذیرند و همچنین از تلاش‌های خود برای رسیدن به اهداف احساس رضایت می‌کنند، این ویژگی‌ها باعث می‌شود انگیزه درونی کودکان افزایش یابد. از طرفی کودکانی که با انگیزه درونی بالا، برای کسب شایستگی و موفقیت احساس مسئولیت می‌کنند، پشتکار بالایی دارند و در صورت شکست تلاششان را دوچندان می‌کنند. چنین ویژگی‌هایی سبب می‌شود که این دانشجویان کمتر بدبین باشند و دشواری در شناسایی احساسات کمتری نیز تجربه کنند. از سوی دیگر کودکانی با ویژگی کمال‌گرایی جامعه‌مدار بدبینی بیشتر و ناگویی هیجانی بیشتری را تجربه می‌کنند.

نتایج بعدی نشان داد که بین تفکر برون‌مدار با خودکارآمدی و کمال‌گرایی در کودکان خیابانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش خودکارآمدی و کمال‌گرایی بر میزان تفکر برون‌مدار افزوده می‌شود. بر اساس نظریه پردازش اطلاعات افراد مبتلا به ناگویی هیجانی (تفکر برون‌مدار) در تجسم نمادین هیجان‌ها توانایی محدودی دارند و به این ترتیب کنترل شناختی آنها بسیار ناچیز است. این مسئله بارها در قالب کاهش شدید خیال‌پردازی‌ها و ناتوانی در یافتن کلمات برای ابراز احساسات شخصی و گاهی با تمایل به تاکید بر حس‌های بدنی ناشی از برانگیختگی هیجانی و کاهش تنش در قالب رفتارهای تکانشی یا وسواسی دیده می‌شود، این در حالی است که افراد با خودکارآمدی و کمال‌گرایی مثبت هم در قالب نوشتاری و هم تصویری (کلامی و غیرکلامی) بیان می‌کنند. این افراد همچنین قادرند در داستان‌های خود هیجان‌های متناقض (مانند مهربانی و تنفر) را با هم ترکیب کنند و راه‌خلاقانه‌تری را برای تعارضاتی ارائه دهند که در ظاهر حل‌شدنی نیست. خودکارآمدی سازه‌ای است که اشاره به باور و ادراک افراد در مورد توانایی‌های خود در رسیدن به اهداف و یا مقابله با شرایط آسیب‌زا دارد. به بیان دیگر خودکارآمدی بیانگر دید مثبت نسبت به توانمندی خود است و منجر به ایجاد انگیزه در افراد می‌شود. داشتن احساس خودکارآمدی موجب می‌شود که افراد فعالیت بیشتری داشته و در پی حل مشکل برآیند و با ناسازگاری‌ها و مشکلات مقابله کنند (تقی‌زاده، ۱۳۹۱). افراد با سطح خودکارآمدی بالا، ایستادگی و مقاومت بیشتری در برخورد با مشکلات دارند و دیدگاه منفی و غیرواقعی بینانه در مورد توانمندی‌هایشان را باور ندارند. به همین دلیل این توانمندی منجر به مقاومت این کودکان در برابر فشارهای زندگی می‌شود. از طرف دیگر پایین بودن خودکارآمدی در کودکان خیابانی باعث می‌شود که این کودکان بیشتر افسردگی، استرس و به طور کلی تغییرات خلقی و هیجانی را تجربه کنند. ولی سطح بالای خودکارآمدی باعث کاهش ناگویی هیجانی این کودکان می‌گردد. همچنین در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد کمال‌گرایی شامل اتخاذ استانداردهای بالا در مورد رفتار خود و تمرکز بر تکالیف و عملکرد فرد به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است. کمال‌گرایی خودمحور که بیشتر سازش‌یافته است، به فرد کمک می‌کند که با تمرکز حداکثری بر انجام تکالیف صرف نظر از دیدگاه دیگران نسبت به خود، برای تحقق هدف‌های شخصی بیشتر تلاش و تقویت مثبت شخصی بیشتر دریافت کنند و در نتیجه تفکر برون‌مدار بالایی نیز دارند. از سوی دیگر کمال‌گرایان خودمحور نیز از انگیزه درونی بالا برای انجام امور شخصی برخوردارند و در صورتی که در دستیابی به ایده‌آل‌های شخصی خود به موفقیت کامل نرسند نیز می‌توانند خواسته‌ها و انتظارات خود را تعدیل کنند و در نتیجه، تفکر برون‌مدار نیز دارند.

همچنین نتایج نشان داد که خودکارآمدی و کمال‌گرایی پیش‌بینی‌کننده معنی‌دار ناگویی هیجانی هستند. در تبیین این یافته نیز می‌توان گفت که افراد با خودکارآمدی پایین ممکن است تصور کنند که حوادث و رویدادها سخت‌تر از آن چیزی که واقعا هست، می‌باشد که این خود باعث افزایش استرس، اضطراب می‌شود. از سوی خودکارآمدی بالا در ایجاد



احساسی از آرامش در رویارو شدن با تکلیف دشوار و فعالیت‌ها کمک می‌کند، در مجموع عقاید مربوط به خودکارآمدی تعیین‌گر و پیش‌بینی‌کننده سطحی است که افراد یک تکلیف دشوار را کامل می‌کنند، پس خودکارآمدی به یک منبع مهم برای احساس شادی و خوش‌بینی تبدیل می‌گردد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۷). در واقع احساس خودکارآمدی بالا، سلامت شخصی، توانایی انجام تکالیف و کارها را به طرق متعدد، افزایش می‌دهد؛ افرادی که به قابلیت‌های خود اطمینان دارند تکالیف مشکل را به عنوان چالش در نظر می‌گیرند که باید بر آن تسلط یابند، به جای این که آن را تهدید‌آمیز ببینند و از آن اجتناب کنند، اهداف چالش‌انگیز را انتخاب می‌کنند و قویا متعهد باقی می‌مانند تا آن را به انجام برسانند، بنابراین خودکارآمدی عاملی است که به عنوان یک میانجی شناختی عمل می‌کند و شناخت، افکار و احساسات افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده رابطه خودکارآمدی و کمال‌گرایی با ناگویی هیجانی در کودکان خیابانی می‌باشد.

از محدودیت‌های این پژوهش کم‌سواد بودن بعضی از کودکان خیابانی و پر کردن پرسشنامه توسط خود پژوهشگر و مددکاران موسسه بود. با توجه به این که آزمودنی‌های این پژوهش کودکان خیابانی شهر تهران بودند، نتایج این پژوهش را نمی‌توان به کودکان خیابانی سایر مناطق کشور تعمیم داد. پیشنهاد می‌گردد در تحقیق‌های آتی محققان به مقایسه این کودکان با کودکان عادی نیز بپردازند و نتایج را مقایسه کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که مسئولین آموزش و پرورش کشور با بهره‌گیری از محققین و صاحب‌نظران در امور کودکان خیابانی، جهت تهیه سرفصل‌های آموزشی متناسب با سنین رشدی کودکان کار در مورد نیازهای روانی آنان اقدام نمایند.

منابع

- افشاری، علی و ستاریان، رفعت. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سرسختی روان‌شناختی با کمال‌گرایی در دانشجویان. *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۸ (۱۱)، ۹۳-۱۱۳.
- پاسیار، سولماز؛ موسوی، سید ولی‌الله و رضایی، سجاد. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار بر اساس راهبردهای کنار آمدن با تنیدگی و سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۱۱ (۱۷)، ۱-۱۲.
- تقی‌زاده، اکرم. (۱۳۹۱). *رابطه‌ی بین پذیرش اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی با قلدری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خسروی، زهره؛ چراغ‌ملایی، لیلا؛ زهرایی، شقایق و اسلامی، معصومه. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین سبک‌های دفاعی من از طریق ناگویی هیجانی و نشخوار خشم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۱۰ (۳)، ۸۵-۹۲.
- خواجه، فرزانه و خضری‌مقدم، نوشیروان. (۱۳۹۵). رابطه ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی با رضایت زناشویی در پرستاران زن متأهل. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۴ (۷)، ۶۳۸-۶۳۰.
- زارعی، حیدرعلی و فرضی، حمیده. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان شاهین‌دژ در سال تحصیلی ۹۴-۹۳. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱۱ (۳۰)، ۳۰۹-۳۲۴.
- طهماسبیان، کارینه و اناری، آسیه. (۱۳۸۸). رابطه بین ابعاد خودکارآمدی و افسردگی در نوجوانان. *مجله روانشناسی کاربردی*، ۳ (۱)، ۸۴-۹۴.

Avanzi, L., Schuh, S. C., Fraccaroli, F., & van Dick, R. (2015). Why does organizational identification relate to reduced employee burnout? The mediating influence of social support and collective efficacy. *Work & Stress*, 29(1), 1-10.

Bagby, R. M., Parker, J. D., & Taylor, G. J. (2020). Twenty-five years with the 20-item Toronto Alexithymia Scale. *Journal of Psychosomatic Research*, 131, 109940.

Calder, M. C., & Horwath, J. (2018). *Working For Children on the Child Protection Register: An Inter-Agency Practice Guide*. Routledge.

- Chineyemba, L. I. (2020). Moral panic and social order: Analysis of Akwa Ibom street children. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 12(2), 29-42.
- Chung, M. C., & Chen, Z. S. (2020). The interrelationship between child abuse, emotional processing difficulties, alexithymia and psychological symptoms among chinese adolescents. *Journal of Trauma & Dissociation*, 1-15.
- Damian, L. E., Stoeber, J., Negru, O., & Băban, A. (2013). On the development of perfectionism in adolescence: Perceived parental expectations predict longitudinal increases in socially prescribed perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 55(6), 688-693
- Derivois, D., Cénat, J. M., Joseph, N. E., Karray, A., & Chahraoui, K. (2017). Prevalence and determinants of post-traumatic stress disorder, anxiety and depression symptoms in street children survivors of the 2010 earthquake in Haiti, four years after. *Child abuse & neglect*, 67, 174-181.
- Di Giunta, L., Eisenberg, N., Kupfer, A., Steca, P., Tramontano, C., & Caprara, G. V. (2015). Assessing perceived empathic and social self-efficacy across countries. *European Journal of Psychological Assessment*
- Edwards, E. R., Shivaji, S., Micek, A., & Wupperman, P. (2020). Distinguishing alexithymia and emotion differentiation conceptualizations through linguistic analysis. *Personality and Individual Differences*, 157, 109801.
- Egan, J. S., Piek, J. P., & Dyck, M. J. (2015). Positive and negative perfectionism and the big five personality factors. *Behaviour Change*, 32 (2), 104-113
- Flett, G. L., & Hewitt, P. L. (2014). Perfectionism and perfectionistic selfpresentation in social anxiety. *Social anxiety: Clinical, developmental, and social perspectives*, 3, 159-187.
- Fransen, K., Haslam, S. A., Steffens, N. K., Vanbeselaere, N., De Cuyper, B., & Boen, F. (2015). Believing in "us": Exploring leaders' capacity to enhance team confidence and performance by building a sense of shared social identity. *Journal of experimental psychology: applied*, 21(1), 89.
- Gao, Y., Atkinson-Sheppard, S., Yu, Y., & Xiong, G. (2018). A review of the national policies on street children in China. *Children and Youth Services Review*, 93, 79-87.
- Jordan, K. D., & Smith, T. W. (2017). The interpersonal domain of alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 110, 65-69.
- Jumiati, A., & Pradoto, W. S. (2020). Role And Community in Constitutional Right to Meet Education for Street Children. *Wacana Hukum*, 26(2), 37-41.
- Kayiranga, G., & Mukashema, I. (2014). Psychosocial factor of being street children in Rwanda. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 140, 522-527.
- Lane, R. D. (2020). Alexithymia 3.0: reimagining alexithymia from a medical perspective. *BioPsychoSocial Medicine*, 14(1), 1-8.
- Moremi, N., Claus, H., Hingi, M., Vogel, U., & Mshana, S. E. (2017). Multidrug-resistant *Achromobacter anemicus* causing wound infection in a street child in Mwanza, Tanzania. *Diagnostic microbiology and infectious disease*, 88(1), 58-61.
- Nath, R., Shannon, H., Georgiades, K., Sword, W., & Raina, P. (2016). The impact of drop-in centers on the health of street children in New Delhi, India: A cross-sectional study. *Child abuse & neglect*, 62, 122-131.



- Parker, P. D., Marsh, H. W., Ciarrochi, J., Marshall, S., & Abduljabbar, A. S. (2014). Juxtaposing math self-efficacy and self-concept as predictors of long-term achievement outcomes. *Educational Psychology*, 34(1), 29-48.
- Peres, V., Corcos, M., Robin, M., & Pham-Scottet, A. (2020). Emotional intelligence, empathy and alexithymia in anorexia nervosa during adolescence. *Eating and Weight Disorders-Studies on Anorexia, Bulimia and Obesity*, 25(1), 1-8.
- Sherry, S. B., Gralnick, T. M., Hewitt, P. L., Sherry, D. L., & Flett, G. L. (2014). Perfectionism and narcissism: Testing unique relationships and gender differences. *Personality and Individual Differences*, 61, 52-56
- Simon, P., Connell, C., Kong, G., Morean, M. E., Cavallo, D. A., Camenga, D., & Krishnan-Sarin, S. (2015). Self-efficacy mediates treatment outcome in a smoking cessation program for adolescent smokers. *Drug & Alcohol Dependence*, 146, e100.
- Zamariola, G., Vlemincx, E., Luminet, O., & Corneille, O. (2018). Relationship between interoceptive accuracy, interoceptive sensibility, and alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 125, 14-20.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



The Prediction of Alexithymia based on Self-Efficacy and Perfectionism Street children of school age

Abstract

The purpose of this study was to Prediction of Alexithymia based on Self-Efficacy and Perfectionism Children on the Street. This research was applied in terms of purpose and in terms of descriptive method of correlation. The statistical population of this study was all street children who referred to the institutions of the city (Farhzad's young seedlings, Farhzad's house, Shosh's baby house, Naser Khosrow's baby house and a house for future) in Tehran in 1397. The study population included all the street children. Using random sampling method, 158 street children were selected as the statistical sample. The tools used in this Toronto Alexithymia (1994) were self-efficacy General Sherer et al. (1982) and Besharat's Perfectionism (2007). The reliability of the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha and its value was more than 0.7 for questionnaires. Data were analyzed using Pearson correlation and multivariate regression model. The results showed that, there is a negative and significant relationship between the difficulty in describing emotions with self-efficacy and perfectionism in street children. There is a negative and significant relationship between the difficulty in identifying emotions with self-efficacy and perfectionism in street children ($p < 0/01$). The results also showed that there is a positive and significant relationship between external thinking and self-efficacy and perfectionism in street children. Therefore, self-efficacy and perfectionism are significant predictor of Alexithymia.

Key words: Alexithymia, self-efficacy, perfectionism, street children